**قطره‌ایی از دریای خرافات شیعه**

**(خرافات الشیعة)**

**تألیف:**

**شیخ عبدالرحمن دمشقیة**

**این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:** |  | **book@aqeedeh.com** | | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv | | |  | | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.shabnam.cc  www.sadaislam.com | |
|  | | | | | | |
|  | | | |  | |  |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[1- آنچه باعث بيماری جذام می‌شود 1](#_Toc419716696)

[2- سيرشدن باعث بيماری پيسی (برص) می‌شود 1](#_Toc419716697)

[3- ماندگاری در حمام باعث بيماری سل می‌شود 1](#_Toc419716698)

[4- مسواک‌زدن در حمام باعث بيماری دندان می‌گردد 2](#_Toc419716699)

[5- ادرار و مدفوع ائمه وسيله داخل شدن به بهشت است 2](#_Toc419716700)

[6- هويج كليه‌ها را گرم كرده و آلت تناسلی را نگه می‌دارد 2](#_Toc419716701)

[7- هندوانه فلجی را به دنبال دارد 2](#_Toc419716702)

[8- نوشيدن آب در شب، زرد آب شكم توليد می‌كند 3](#_Toc419716703)

[9- سخن گفتن به هنگام جماع باعث لال شدن زبان می‌شود 3](#_Toc419716704)

[10- نگريستن به شرمگاه زن،‌ انسان را كور می‌كند 3](#_Toc419716705)

[11- خوردن گياه سداب عقل را زياد می‌كند 3](#_Toc419716706)

[12- رمضان نام خدا است 4](#_Toc419716707)

[13- آه، ‌نام خدا است 4](#_Toc419716708)

[14- باد شكم ائمه مانند بوی مشک است 5](#_Toc419716709)

[15- ظهور امام زمان در حالت لختی 5](#_Toc419716710)

[16- نظر حرام در آينه جايز است 6](#_Toc419716711)

[17- حيوان نر به هنگام جفت گيری نبايد ذبح شود 6](#_Toc419716712)

[18- كفش سياه و خصلت‌های بدش 6](#_Toc419716713)

[19- سنگينی شمشير امام علی 7](#_Toc419716714)

[20- پرنده خارج شده از سوراخ بينی 8](#_Toc419716715)

[21- پرستاری شياطين از قاری آية الكرسی 8](#_Toc419716716)

[22- روايت‌های عفير (الاغ پيامبر) 9](#_Toc419716717)

[23- ضربه علی بر رود فرات 9](#_Toc419716718)

[24- امام حسن هفتاد ميليون زبان بلد بود 10](#_Toc419716719)

[25- خوردن خاک و گل باعث نفاق می‌گردد 11](#_Toc419716720)

[26- چگونه درد چشم از بين می‌رود؟ 11](#_Toc419716721)

[27- اسم روزهای هفته اسم پيامبر و اهل بيت است 11](#_Toc419716722)

[28- خوردن پنير در اول هر ماه نيازها را بر آورده می‌سازد 12](#_Toc419716723)

[29- برای دفع فراموشی چه بايد كرد؟ 12](#_Toc419716724)

[30- خوردن انار از آداب و اعمال روز جمعه است 12](#_Toc419716725)

[31- وسيله افزايش روزی 13](#_Toc419716726)

[32- امام، با زبان همه مخلوقات سخن می‌گويد 13](#_Toc419716727)

[33- امام حسين از انگشت و زبان پيامبر تغذيه می‌كرد 14](#_Toc419716728)

[34- پيامبر از پستان ابوطالب شير می‌خورد 15](#_Toc419716729)

[35- تحريف در تفسير آيه قرآن 16](#_Toc419716730)

[36- دانيال پيامبر، خداوند را به گناه انجام دادن تهديد كرد 16](#_Toc419716731)

[37- شفای زردآب شكم (صفرا) 17](#_Toc419716732)

[38- هنگام قهقهه چه بايد گفت؟ 17](#_Toc419716733)

[39- فرستادن درود و سلام بر اهل بيت، ‌انسان را از دعا بی‌نياز می‌كند 17](#_Toc419716734)

[40- ازدواج دو نور 18](#_Toc419716735)

[41- به هم رسيدن دو بحر 18](#_Toc419716736)

[42- فاطمه هرگز دوره حيض و قاعدگی نداشته است. 19](#_Toc419716737)

[43- فرق ميان شب و روز جهت اقامه حد شرعی 19](#_Toc419716738)

[44- نزاع و اختلاف معصومين بر سر مسأله امامت 20](#_Toc419716739)

[45- حد عورت نزد شيعه 23](#_Toc419716740)

[46- رعد و برق با اراده و خواست امام علی است 25](#_Toc419716741)

[47- يادآوری نام ائمه به مرده هنگام دفن 25](#_Toc419716742)

بسم الله الرحمن الرحیم

1- آنچه باعث بيماری جذام می‌شود

ابی‌عبدالله روایت می‌کند که امیر المؤمنین می‌فرمود: هرگز در حمام بر پشت نخوابید چنین کاری چربی کلیه‌ها را ذوب می‌کند و پاهای خود را بر سفال نکشید که باعث‌گری (بیماری جذام) خواهد گشت[[1]](#footnote-1).

2- سيرشدن باعث بيماری پيسی (برص) می‌شود

از ابی‌عبدالله روایت شده که فرمود: خوردن در حالت سیری باعث پیسی می‌گردد[[2]](#footnote-2).

غسل کردن با آب کوزه مصر انسان را دیوث می‌گرداند.

از امام رضا روایت است که نام مصر را برد و فرمود: پیامبر می‌فرماید: از آب کوزه مصر ننوشید و با آن سرتان را نشوئید که غیرت را از بین می‌برد و باعث دیوثی می‌گردد[[3]](#footnote-3).

3- ماندگاری در حمام باعث بيماری سل می‌شود

روایت است که امام رضا فرمود: هرگز در حمام ماندگار نشوید چون ماندگاری در حمام باعث بیماری سل می‌شود[[4]](#footnote-4).

4- مسواک‌زدن در حمام باعث بيماری دندان می‌گردد

مسواک‌زدن در حمام کراهت دارد چون باعث بیماری دندان‌ها می‌شود[[5]](#footnote-5).

5- ادرار و مدفوع ائمه وسيله داخل شدن به بهشت است

در ادرار و مدفوع ائمه کثافت و بوی بد وجود ندارد بلکه مانند مشکی است که بوی آن همه جا را پر می‌کند و هر کس از ادرار و مدفوع و خون ائمه بخورد خداوند آتش دوزخ را بر وی حرام کرده و بهشت را بر او واجب می‌گرداند[[6]](#footnote-6).

6- هويج كليه‌ها را گرم كرده و آلت تناسلی را نگه می‌دارد

کلینی از ابی عبدالله نقل می‌کند که فرمود: خوردن هویج کلیه‌ها را گرم کرده، آلت تناسلی مرد را بلند کرده و در عمل زناشویی به وی کمک می‌کند[[7]](#footnote-7).

7- هندوانه فلجی را به دنبال دارد

از امام رضا نقل است که فرمود: خوردن هندوانه در حالت ناشتا باعث فلج شدن می‌گردد[[8]](#footnote-8).

8- نوشيدن آب در شب، زرد آب شكم توليد می‌كند

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: نوشیدن آب، هنگام بیدار شدن از خواب شبانه باعث تولید آب صفراء می‌شود[[9]](#footnote-9).

9- سخن گفتن به هنگام جماع باعث لال شدن زبان می‌شود

عبدالله پسر سنان می‌گوید: ابوعبدالله فرمود: از سخن گفتن به هنگام جماع پرهیز کنید که باعث لال شدن زبان می‌گردد[[10]](#footnote-10).

10- نگريستن به شرمگاه زن،‌ انسان را كور می‌كند

نگاه کردن به شرمگاه زن کراهت دارد و باعث کوری می‌شود و سخن گفتن به هنگام جماع نیز مکروه بوده و باعث لال شدن زبان است[[11]](#footnote-11).

11- خوردن گياه سداب عقل را زياد می‌كند

از ابوالحسن روایت است که فرمود: گیاه سداب[[12]](#footnote-12) را بخورید که عقل را زیاد می‌کند[[13]](#footnote-13).

12- رمضان نام خدا است

رمضان یکی از نام‌های مبارک خداوند است[[14]](#footnote-14).

13- آه، ‌نام خدا است

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: آه یکی از نام‌های مبارک خداوند است پس اگر کسی گفت: آه، به تحقیق به خدا پناه برده است[[15]](#footnote-15).

**(اختراع نام عجیب و غریب برای ملائکه).**

شیعه ادعا می‌کنند که در میان ملائکه ملکی وجود دارد که اسمش فطرس است این ملک از دستورات خدا سرپیچی کرد و سپس چون به سوی قبر امام حسین رفت و خود را بر خاک قبر مالید،‌ خداوند توبه او را پذیرفت.

و همچنین ملائکه‌ای بنام مرمائیل وجود دارد که بر روی شانه‌اش نوشته شده، در نتیجه ازدواج نور با نور (علی با فاطمه) به وجود آمده است.

و همچنین از امام زین العابدین نقل می‌کنند که فرمود: خداوند ملائکه‌ای دارد به خرقائیل که هیجده هزار بال دارد و بین هر بال تا بال دیگرش پانصد سال فاصله است[[16]](#footnote-16).

صاحب کتاب کافی نام ملائکه دیگری را اختراع کرده و می‌گوید: در میان ملائکه، ملکی وجود دارد که اسمش منصور است، این ملک دائم به زیارت قبر امام حسین مشغول است[[17]](#footnote-17).

14- باد شكم ائمه مانند بوی مشک است

از ابو جعفر روایت است که فرمود: امام ده علامت دارد:

1. پاک و مطهر بدنیا می‌آید.
2. ختنه شده متولد می‌شود.
3. اگر بر زمین بیفتد روی کف دستان می‌افتد.
4. با صدای بلند شهادتین را بر زبان میراند.
5. جنب نمی‌شود.
6. در حالت خواب،‌ چشمانش خوابیده در حالی که دلش بیدار است.
7. خمیازه نی کشد.
8. تکبر و خودپسندی ندارد.
9. از پشت سر می‌بیند همچنان که از روبرو دیده است.
10. بوئی که از باد شکم و تیز دادن و مدفوعش بر می‌خیزد،‌ مانند بوی مشک است[[18]](#footnote-18).

15- ظهور امام زمان در حالت لختی

شیخ طوسی و شیخ نعمانی از امام رضا نقل می‌کنند که فرمود: از نشانه‌های ظهور امام مهدی این است که آن حضرت زیر نور خورشید و در حالت برهنگی ظهور می‌کند[[19]](#footnote-19).

16- نظر حرام در آينه جايز است

جهت حل مسأله تقسیم ارث، به بهانه اینکه ثابت شود آلت تناسلی فرد خنث[[20]](#footnote-20) بیشتر نزدیک به مردانگی یا زنانگی است،‌ فتوی به جواز دیدن شرمگاه وی را داده و گفته‌اند: عورت او را در آینه نگاه کنند،‌آنچه در آینه می‌بینند سایه و تصویر شرمگاه است نه خود آن[[21]](#footnote-21).

17- حيوان نر به هنگام جفت گيری نبايد ذبح شود

(در بین کلینی و محقق کتابش بر سر روایت این خرافه اختلاف هست) کلینی می‌گوید: پیامبر نهی فرمود و محقق می‌گوید: امیر المؤمنین از خورن گوشت حیوان نر به هنگام جفت گیری نهی فرمود[[22]](#footnote-22) پس یکی از شرایط ذبح حیوان نر این است که مشغول جفت‌گیری نباشد.

ابن بابویه قمی از ابوعبدالله نقل می‌کند که فرمود: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی‌شود: از جمله زمین از باران،‌ چشم از نظر و ماده از نر[[23]](#footnote-23).

18- كفش سياه و خصلت‌های بدش

ابن بابویه از ابی عبدالله روایت می‌کند که ایشان مردی را دیدند که کفش‌های سیاه پوشیده بود، امام به ایشان فرمودند: چرا کفش سیاه پوشیدهای؟ مگر نمی‌دانی کفش سیاه سه خصلت بد دارد؟ گفتم فدایت شوم آن خصلت‌های بد چیستند؟ فرمود: چشم را ضعیف کرده، آلت تناسلی مرد را سست گردانده و باعث غم و غصه می‌گردد،‌ علاوه بر این‌ها کفش سیاه پوشش ستمگران است،‌ کفش زرد رنگ بپوش که سه خصلت خوب را دارد گفتم آن سه خصلت کدامند؟ فرمود: چشم را قوت بخشیده،‌آلت تناسلی مرد را سفت کرده و غم و غصه را از بین می‌برد[[24]](#footnote-24).

19- سنگينی شمشير امام علی

جزائری از برسی روایت می‌کند که جبرئیل امین به نزد پیامبر آمده فرمود: ای پیامبر خدا وقتی امام علی شمشیرش را بلند کرد تا مرحب[[25]](#footnote-25) را بکشد، ‌خداوند تبارک و تعالی به اسرافیل و میکائیل دستور داد تا بازوی علی را محکم گرفته تا نتواند با تمام قدرت ضربه بزند با وجود این نیز مرحب را همراه با کلاه و زره آهنینش از وسط نصف کرد همچنین اسب مرحب نیز دو نیم شد و شمشیر علی تمام طبقات و لایه‌های زمین را پاره کرد،‌ خداوند به من امر فرمود: که ای جبرئیل فوراً‌ به زیر زمین برو و جلو شمشیر را بگیر تا به گاو نگهدارنده زمین نرسد،‌ در غیر این صورت کره زمین زیر و رو می‌شود من نیز فوراً ‌به زیر زمین رفته و شمشیر را گرفتم وزن این شمشیر بر روی بالم سنگین‌تر از وزن هفت شهر محل سکونت قوم لوط بود[[26]](#footnote-26).

شمشیر را از طبقه هفتم زمین کندم و آن را بر روی پری از بالم گذاشته و به نزدیک آسمان بردم و تا صبح منتظر ماندم تا که خداوند امر فرمود آن را بر زمین بگذارم، تا حال هیچ چیزی را به سنگینی شمشیر علی احساس نکرده‌ام و در همین روز وقتی قلعه خیبر فتح شد و زنان سپاه یهود اسیر شدند،‌ در میان زنان، صفیه دختر پادشاه نیز بود،‌وقتی به نزد پیامبر آمد در صورتش اثر زخم و شکستگی داشت،‌ پیامبر علتش را پرسید،‌صفیه گفت: وقتی علی جهت فتح قلعه خیبر آمد و نتوانست فتح کند، ‌به سوی یکی از برج‌های قلعه رفت و آن را تکان داد،‌ تمام قلعه لرزید و هر آنچه بر بلندی‌ها بود افتاد، من روی تخت خود نشسته بودم که تخت زیر و رو شد و گوشه‌ایی از آن به صورتم اصابت کرد، پیامبر فرمود: ای صفیه وقتی علی عصبانی شد و قلعه را تکان داد خداوند به خاطر عصبانیت علی عصبانی شد تمام آسمان‌ها لرزیدند و ملائک از ترس به سجده افتادند و برای او کافی است یک قدرت و غیرت خداوندی و اما دروازه قلعه خیبر، ‌هر شب چهل مرد آن را می‌بستند (و صبح باز می‌کردند) وقتی علی به در قلعه رسید، ‌از شدت ضربات، سپرش از دستش پرید،‌ پس دروازه قلعه را از جا کند و به جای سپر از آن استفاده کرد و جنگید و این دروازه در دستش بود تا خداوند قلعه را بدست وی فتح کرد[[27]](#footnote-27).

20- پرنده خارج شده از سوراخ بينی

از ابی‌عبدالله نقل است که فرمود: کسی که عطسه کرد، سپس دستش را بر استخوان بینی اش گذاشته و بگوید: سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است بیشترین شکر و سپاس برای خدا چرا که او اهل و سزاوار آن است و درود و سلام خدا بر محمد، پیامبر درس نخوانده وی و به خاندانش، ‌در این حال از سوراخ چپ بینی وی پرنده ایی کوچکتر از ملخ و بزرگتر از مگس بیرون می‌آید و پرواز می‌کند تا به زیر عرش خدا رسیده و تا روز قیامت برای وی طلب مغفرت می‌کند[[28]](#footnote-28).

21- پرستاری شياطين از قاری آية الكرسی

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: کسی که به هنگام خواب آیة الکرسی را سه بار و ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُو﴾ در سوره آل عمران و آیه مسخر ساختن و آیه سجده را بخواند،‌ خداوند دو شیطان را برای پرستاری و محافظت وی از شیاطین عاصی و نافرمان را مأمور می‌سازد[[29]](#footnote-29).

22- روايت‌های عفير (الاغ پيامبر)

امیر المؤمنین علی می‌فرماید: اولین چهار پایی که فوت کرد، عفیر الاغ پیامبر بود، ‌لحظه ایی که پیامبر از دنیا رحلت نمود، آن الاغ افسارش را پاره کرد و دوید تا به لب چاه بنی خطمه در منطقه قباء رسید و خودش را در آن چاه پرت کرد و چاه به قبرش تبدیل شد. امیر المؤمنین فرمود: آن الاغ با پیامبر حرف می‌زد و می‌گفت: همراه با پدر و مادرم به فدایت گردم پدرم از پدرش او هم از پدر بزرگش و او هم از پدر خود برایم نقل کرد که همراه با پیامبر خدا نوح در کشتی بوده که حضرت نوح برخاسته و دستش را بر پشت وی کشیده و فرموده: از نسل این الاغ، الاغی بدنیا می‌آید که سرور و خاتم پیامبران بر وی سوار می‌شود، عفیر می‌گفت: سپاس خدایی را که مرا چنین الاغی قرار داد[[30]](#footnote-30).

23- ضربه علی بر رود فرات

زین الدین بیاضی در کتاب صراط مستقیمش می‌گوید: وقتی امام علی از جنگ صفین بر می‌گشت، با رود حرف زد،‌ رود فرات جوشید و موج زد، شهادتین را بر زبان آورد و به خلافت علی شهادت داد و مردم همه، صدایش را شنیدند و همچنین امام جعفر صادق از پدرانش نقل می‌کند که علی با یک چوب دستی بر رود فرات کوبید فرات جوشید و خروشان شد و تمام ماهی‌های داخل رود بر امام سلام کرده و همگی اقرار کردند که علی حجت خدا است[[31]](#footnote-31).

24- امام حسن هفتاد ميليون زبان بلد بود

ابی عبدالله از امام حسن روایت کرد که ایشان فرمودند: خداوند دو شهر دارد یکی در مشرق و دیگری در مغرب قرار دارد در این دو شهر هفتاد هزار، هزار زبان وجود دارد که هر زبانی بر خلاف زبان دیگر گفتگو می‌کند و من تمام این زبانها را بلدم[[32]](#footnote-32).

خوردن خاک قبر حسین شفای هر دردی است.

ابوالحسن می‌فرماید: خوردن هر خاک و گلی مانند خوردن خون و گوشت مردار و خوک حرام است جز خاک قبر امام حسین که شفای هر درد و باعث نجات از هر ترسی است اما نباید در خوردن آن زیاده روی کرد[[33]](#footnote-33).

همچنین در مفاتیح الجنان آمده که: مشهور در بین علما این است که خوردن خاک و گل مطلقاً‌جایز نیست جز خاک قبر امام حسین،‌ اما باید به نیت شفا خورده شود نه به قصد لذت و مقدار آن نیز به اندازه دانه نخود باشد اما افضل نزد علما آن است که اندازه آن از دانه عدس بزرگتر نبوده و شخص آن را در دهان گذاشته و سپس با جرعه ایی آب آن را خورده و بگوید: پروردگارا این خاک را به روزی زیاد و علمی پر سود و شفا از هر دردی تبدیل فرما[[34]](#footnote-34).

25- خوردن خاک و گل باعث نفاق می‌گردد

از ابی عبدالله روایت است که فرمود: خوردن خاک و گل باعث نفاق می‌گردد[[35]](#footnote-35).

همچنین ابی جعفر می‌فرماید: بیشتر نیرنگ‌های شیطان در نتیجه خوردن خاک و گل است،‌ خوردن آن جسم را مریض کرده و بیماری را تقویت می‌کند، ‌هرکس آن را بخورد نیروی بدنش را ضعیف کرده و در تمام کارهایی که قبلاً انجام می‌داد، ناتوان می‌شود به همین خاطر او را محاسبه کرده و عذاب می‌دهند[[36]](#footnote-36) و [[37]](#footnote-37).

26- چگونه درد چشم از بين می‌رود؟

توسل به امام موسی کاظم برای درد چشم مفید است[[38]](#footnote-38).

27- اسم روزهای هفته اسم پيامبر و اهل بيت است

امام دهم می‌فرماید: (سَبْتْ) شنبه نام پیامبر (اَحَدْ) یکشنبه منظور امام علی (اِثْنَين) دوشنبه منظور از حسن و حسین (ثُلاثاء) سه شنبه منظور از علی ابن الحسین،‌ محمد بن علی و جعفر بن محمد (اَرْبِعاء) چهارشنبه منظور از موسی بن جعفر،‌ علی بن موسی، ‌محمد بن علی و خود من (خَميس) پنجشنبه منظور از پسرم حسین و جمعه نام پسر وی می‌باشد که گروه اهل حق در وی جمع می‌شوند[[39]](#footnote-39).

و همچنین صراحتاً‌ گفته‌اند که اسم روز یکشنبه (اَحَدْ) یکی از نام‌های مبارک خداوند است[[40]](#footnote-40).

28- خوردن پنير در اول هر ماه نيازها را بر آورده می‌سازد

روایت شده که هر کس خود را به خوردن پنیر در اول هر ماه عادت دهد امید است که خواسته‌هایش رد نشود[[41]](#footnote-41).

29- برای دفع فراموشی چه بايد كرد؟

خوردن کشمش و مویز در حالت ناشتا مفید است اما باید از اسباب فراموشی مانند: خوردن سیب ترش، گشنیز سبز، دفع ادرار در آب ایستاده، راه رفتن در میان دو زن، انداختن شپش زنده بر روی زمین، نگریستن به سوی فرد اعدام شده و سوار بر شتر راه رفتن در میان کاروان پرهیز کرد[[42]](#footnote-42).

و همچنین از ابوالحسن روایت است که فرمود: خوردن سیب و گشنیز باعث فراموشی می‌شود[[43]](#footnote-43).

30- خوردن انار از آداب و اعمال روز جمعه است

از جمله اعمال شب و روز جمعه، خوردن انار است همچنان که امام صادق هر شب جمعه این کار را می‌کرد و بهتر آن است که هنگام خواب خورده شود چون روایت است که هر کس هنگام خواب انار بخورد تا صبح، جان وی در امان است، اما لازم است عمامه‌ایی در زیر انار پهن شود تا اگر دانه‌ایی از آن افتاد فوراً آن را برداشته و بخورد و همچنین نباید کسی را در خوردن انار شریک خود کرد[[44]](#footnote-44).

و همچنین از اعمال روز جمعه خوردن انار در حالت ناشتا و خوردن هفت برگ از گیاه کاسنی قبل از غروب خورشید است، ‌از امام موسی بن جعفر روایت است که فرمود: کسی که در روز جمعه یک دانه انار را در حالت ناشتا بخورد،‌چهل روز بعدش نورانی است و هر کس دو انار را بدین شیوه بخورد هشتاد روز و اگر سه انار باشد صد و بیست روز بعدش منوّر گشته و وسوسه‌های شیطان از وی دور شده و اگر وسوسه شیطان از کسی دور شد، دچار معصیت نمی‌شود و کسی که از معصیت دوری گزیند، داخل بهشت می‌گردد[[45]](#footnote-45).

31- وسيله افزايش روزی

از آداب روز جمعه کوتاه کردن سبیل و گرفتن ناخن است که هر دو باعث افزایش روزی و حفظ از دیوانگی و بیماری‌های گری و پیسی (جذام و برص) می‌شوند[[46]](#footnote-46).

32- امام، با زبان همه مخلوقات سخن می‌گويد

از نصیر خادم مشهور به ابو حمزه روایت است که گفت: بارها دیدم که امام ابومحمد با خادمانش با زبان خودشان گفتگو می‌کرد،‌در حالی که درمیان آنان ترک، رومی و صیقلی وجود داشت، سپس رو به من کرده و گفت: خداوند به امام، فهم تمام زبان‌ها و شناسایی کلیه نسب‌ها و جریانات و حوادث را آموخته است[[47]](#footnote-47).

33- امام حسين از انگشت و زبان پيامبر تغذيه می‌كرد

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: امام حسین، شیر مادرش فاطمه یا هیچ زن دیگری را نخورد بلکه هر بار او را به نزد پیامبر می‌بردند و پیامبر انگشتش را در دهان وی گذاشته و او هم انگشت پیامبر را آنقدر میمکید که برای دو سه روزش کافی بود[[48]](#footnote-48).

و همچنین از ابوالحسن روایت است که فرمود: پیامبر به نزد امام حسین می‌رفت، زبانش را در دهان وی گذاشته و امام حسین به اندازه کافی زبان پیامبر را می‌مکید، به همین روش تغذیه می‌کرد و از شیر مادر بی‌نیاز بود و هرگز شیر هیچ زنی را نخورد[[49]](#footnote-49).

شیعه بر ابوهریره ایراد می‌گیرند که چگونه به تنهایی شش هزار حدیث را از پیامبر روایت کرده در حالی که خود ادعا می‌کنند که امام حسن هفتاد میلیون زبان را می‌دانست،‌ جالب اینجاست که هم اکنون نیز هفتاد میلیون زبان در جهان وجود ندارد حتی اگر زبان حشرات را نیز به آنها بیافزائیم.

خرافاتی همچون ملائکه 24 چهره، تفاوت سرشت و طبیعت زنانگی فاطمه با تمام زنان عالم، تغذیه پیامبر اکرم از پستان ابوطالب به جای ام طالب و تغذیه امام حسین از انگشت و زبان پیامبر، نزد شیعه معقول و منطقی است.

این در حالی است که سیلی زدن حضرت موسی بر ملائکه را ناصحیح و غلط می‌پندارند و حدیثش را موضوع می‌دانند، آنها همانند مستشرقین و عقل گرایان بر احادیث ما نگریسته‌اند (و آنها را مورد پسند عقل ندانسته‌اند) اما تغذیه پیامبر از پستان ابوطالب و تغذیه امام حسین از انگشت و زبان پیامبر چی،‌آیا این عاقلانه و منطقی است؟

اگر می‌گوید ما به طور کامل تسلیم محتوای کتاب کافی نیستیم و معتقدیم که صحیح و ضعیف دارد، می‌گوئیم: این گفته شما معارض با گفته بزرگ‌ترین علمای شیعه است چرا که علمای شما همه معتقدند که کلیه احادیث کتاب اصول کافی، متواتر و قطعی الصحه هستند و این کتاب در میان چهار کتب معتبر اهل تشیع (صحاح اربعه) صحیح‌ترین و مورد اطمینان‌ترین آنها است.

ما اهل سنت، ‌اسناد روایت در کتب مرجعی عقیدتی خود را تصحیح کرده‌ایم و اگر صحت حدیثی به واسطه وجود راویان معتبر و مورد اطمینان ثابت شد و سند آن به پیامبر رسید، دیگر ما به طور حتم و یقین و با اعتماد کامل به آن عمل کرده و تبلیغ می‌کنیم و به اعتراض کسی گوش نمی‌دهیم اما شما منتظر چی هستید؟ نزدیک به هزار سال از تألیف کتاب کافی می‌گذرد آیا تا به حال درباره سندهایش تحقیق کرده‌اید؟

این تحقیق چیزی است که تاکنون برای اهل تشیع امکان پذیر نبوده است.

34- پيامبر از پستان ابوطالب شير می‌خورد

از ابی‌عبدالله روایت است که فرمود: وقتی پیامبر متولد شد، چند روزی شیر نبود که بخورد ابوطالب دهان او را بر پستان خود گذاشته و خداوند شیر را در آن جاری کرد و چندین روز از آن تغذیه می‌کرد تا اینکه ابوطالب حلیمه سعدیه را برای شیر دهی پیدا کرده و پیامبر را به وی سپرد[[50]](#footnote-50).

35- تحريف در تفسير آيه قرآن

اصبغ پسر نباته از امیر المؤمنین تفسیر آیه: ﴿أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ﴾ [لقمان: 14]. را پرسید ایشان در جواب فرمودند: منظور از والدیک که خداوند شکرش را بر ما واجب کرده، علم است و همچنین ﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ﴾ [لقمان: 15]. یعنی: «اگر از تو خواستند از اطاعت کسی که من امر به اطاعت وی کرده‌ام سرپیچی کنی، به حرف آنها گوش نکن»[[51]](#footnote-51).

در این روایت به طور واضح و روشن کلام خدا تحریف شده به طوری که آیه را از معنی اصلی خود که نیکی به والدین است خارج کرده‌اند، خداوند انسان را به نیکی کردن به پدر و مادر تشویق فرموده جز زمانی که توصیه پدر و مادر به شریک قرار دادن برای خدا باشد اما آنها گفته‌اند جز زمانی که توصیه پدر و مادر در شرکت دادن امامی دیگر با ائمه اهل بیت در اطاعت کردن باشد.

36- دانيال پيامبر، خداوند را به گناه انجام دادن تهديد كرد

ابوجعفر می‌فرماید: خداوند به پیامبرش داود وحی کرد که برو و از زبان من به بنده‌ام دانیال بگو تو گناه کردی و من تو را بخشیدم دوباره گناه کردی و بخشیدمت و برای بار سوم گناه کردی و ازت گذشتم اگر بار چهارم دچار معصیت شوی نمی‌بخشمت. سپس هنگام طلوع فجر دانیال به مناجات با خدا برخاست و گفت: به عزت و جلالت سوگند اگر مقام عصمت را به من ببخشی به طور مستمر و مداوم نافرمانیت می‌کنم[[52]](#footnote-52).

نمی‌دانم چگونه شیعه عصمت ائمه را پذیرفته‌اند،‌ در حالی که معتبرترین کتابشان این گونه به یکی از پیامبران خدا طعنه زده و وی را معصوم نمی‌داند که گویا دانیال نبی این گونه جسورانه در مقابل خدا ایستاده و وی را به معصیت و نافرمانیش تهدید کرده باشد.

37- شفای زردآب شكم (صفرا)

مردی به امیر المؤمنین گفت: آب زردی در شکم دارم آیا شفایی دارد؟ ایشان فرمودند: روی شکمت آية الکرسی را بنویس و آن را با آب بشوی و اینقدر از آن آب بنوش تا در شکمت ذخیره شود، ‌به امید خدا شفا می‌یابی آن مرد چنین کرد و شفا یافت[[53]](#footnote-53).

38- هنگام قهقهه چه بايد گفت؟

از ابی جعفر روایت است که فرمود: هرگاه همراه با قهقهه خندیدی،‌ پس از آن بگو پروردگارا بر من قهر و غضب نگیر[[54]](#footnote-54).

39- فرستادن درود و سلام بر اهل بيت، ‌انسان را از دعا بی‌نياز می‌كند

از ابی‌عبدالله نقل شده که فرمود اگر یکی از بندگان نیازمند و محتاج خدا دعا و مناجات خود را با حمد و شکر خدا و فرستادن درود و سلام بر محمد و اهل بیتش شروع کند و در همین درخواست و تمنای خود را فراموش کند،‌ خداوند نیازش را بر آورده می‌سازد اگرچه از خدا نخواسته است[[55]](#footnote-55).

40- ازدواج دو نور

ابی‌الحسن می‌فرماید: پیامبر خدا نشسته بود که ملائکه ایی با 24 چهره به خدمتش رسید، پیامبر فرمود: دوست من جبرئیل تا حال در این چنین چهره ایی شما را ندیده بودم،‌ ملائکه گفت: من جبرئیل نیستم،‌ ای محمد خداوند مرا فرستاده تا نور را به عقد نور در آورم پیامبر فرمود: این دو نور کیستند؟ ملائکه گفت: علی و فاطمه. وقتی ملائکه برخاست پیامبر دید که در وسط شانه‌هایش نوشته شده: محمد پیامبر خدا و علی جانشین وی است. پیامبر پرسید: از کی تا حال چنین نوشته ایی بر شانه‌هایت وجود دارد؟ ملائکه گفت: 22 هزار سال قبل از خلقت آدم[[56]](#footnote-56).

مسئله ولایت علی به حدی مهم است که 22 هزار سال قبل از خلقت آدم روی شانه‌های ملائکه ایی نوشته شده اما جالب اینجا است که حتی یک آیه از قرآن اشاره به ولایت و جانشینی علی ندارد.

41- به هم رسيدن دو بحر

«سوره الرّحمن» می‌فرماید: ﴿مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ يَلۡتَقِيَانِ ١٩﴾ ‌اهل تشیع می‌گویند این آیه به ازدواج علی و فاطمه اشاره دارد بهم رسیدن دو بحر، رسیدن علی و فاطمه است[[57]](#footnote-57).

42- فاطمه هرگز دوره حيض و قاعدگی نداشته است.

از ابی‌الحسن روایت شده که فرمود: دختران پیامبران هرگز به حیض مبتلا نشده‌اند[[58]](#footnote-58).

همچنین ابو جعفر می‌فرماید: وقتی فاطمه متولد شده، خداوند به ملائکه ایی وحی کرد و این وحی و همچنین کلام ملائکه بر زبان پیامبر جاری شد،‌ اسم نوزاد را فاطمه گذاشت و سپس گفت: من تو را به وسیله علم از بدیها منع کرده و تو را از حیض دور می‌کنم سپس ابو جعفر فرمود: به خدا سوگند که وی را از پیمان شکنی نیز دور ساخت[[59]](#footnote-59).

43- فرق ميان شب و روز جهت اقامه حد شرعی

مجلسی در بحار الأنوار روایت می‌کند که امام علی فرمود: همراه پیامبر و عایشه به سفر رفتم پیامبر در این سفر جز من خادمی نداشت و فقط یک لحاف همراه داشتیم، ‌هنگام خواب پیامبر در بین من و عایشه می‌خوابید و سه نفری زیر همان لحاف بودیم،‌ وقتی پیامبر به نماز شب بر می‌خواست، ‌با دستش وسط لحاف را بر زمین می‌چسپاند بطوری که میان من و عایشه فاصله بیفتد[[60]](#footnote-60).

افتراء و اهانت فوق در حالی است که خودشان از ابی عبدالله روایت می‌کنند که فرمود: اگر زن و مردی زیر یک لحاف پیدا شدند باید صد ضربه شلاق بخورند[[61]](#footnote-61).

اما جالب اینجاست که مجلسی در بین شب و روز جهت اجرای حد فرق گذاشته و می‌گوید: اگر زن و مردی در شب،‌زیر یک لحاف پیدا شدند،‌ حد شرعی بر آنان اجرا نمی‌شود اما اگر این جریان در روز رخ داده بود، حد بر آنان جاری است[[62]](#footnote-62) و[[63]](#footnote-63).

44- نزاع و اختلاف معصومين بر سر مسأله امامت

اهل تشیع به علت در دست نداشتن هیچ سند و مدرک و نصوصی برای اثبات امامت ائمه خود، ‌به افسون و تردستی و خرافات و جادو پناه برده‌اند به عنوان مثال:

1. اثبات امامت امام زین العابدین: زنی از شیعیان آن امام می‌گوید: یکبار در زمان پیری و سالخوردگی به نزد ایشان رفتم، به شدت ضعیف و ناتوان بودم چون در آن وقت یکصد و سیزده سال از عمرم می‌گذشت، ایشان را در رکوع و سجده و مشغول به عبادت یافتم (به علت طولانی بودن عبادت وی و عمر بسیار زیاد من و همچنین احتمال مرگ) داشتم از دیدار با ایشان و برخورداری از ارشاد و راهنمایی‌های وی ناامید می‌شدم که در همان حالت با انگشت شهادت به سوی من اشاره‌ایی فرمود و عمر جوانی به من بازگردانده شد[[64]](#footnote-64).

**افسانه دوم برای اثبات امامت امام زین العابدین**

وقتی امام حسین شهید شد، برادرش محمد بن حنفیه به نزد علی ابن حسین (زین العابدین) فرستاد و گفت: پدرت شهید شد و خودش بر روحش نماز خواند و وصیتی از خود بجای نگذاشت من عموی تو و برادر پدرت هستم چون من فرزند امام علی‌ام و سنّم از تو بیشتر است استحقاق امامت را بیشتر از تو دارم بر سر این مسأله با من منازعه و بحث نکن، علی ابن حسین نیز گفت: بیا در این منازعه داوری و قضاوت را به نزد حجر الأسود ببریم،‌ در نتیجه هر دو به سوی کعبه رفته و علی گفت با خدا مناجات کن و از وی بخواه که سنگ را به زبان آورد، محمد نیز شروع به مناجات کرده و چنین درخواستی را از خدا کرد اما از سنگ جوابی نشنید سپس علی شروع به مناجات کرد فوراً‌ حجر الأسود به تکان افتاد و از شدت تکان نزدیک بود پائین افتد،‌ خداوند آن را به زبان آورد و با زبان عربی واضح گفت: پروردگارا خلافت و امامت حق علی ابن حسین است[[65]](#footnote-65).

1. اثبات امامت امام موسی کاظم: روایت است که وقتی بر سر مسأله امامت،‌ میان امام موسی کاظم و برادر بزرگش عبدالله،‌ نزاع پیدا شد، ‌امام موسی کاظم امر فرمود تا هیزم بسیار زیادی را در وسط حیات منزلش جمع کردند سپس دنبال عبدالله فرستاد،‌پس از آمدن عبدالله و جمع شدن مردمان زیادی از شیعیان امامیه، ‌امام کاظم نشست و امر فرمود تا هیزمها را آتش بزنند مردم علت این کارها را نمی‌دانستند اما اطاعت کردند، پس از فروکش آتش و تبدیل هیزم به زغال‌های آتشین، ‌امام کاظم برخاست و وسط آن نشست و یک ساعت برای مردم سخنرانی کرد و سپس از جای خود برخاسته و لباسش را تکان داد تا گرد و غبار روی آن بر زمین ریخت و به میان مردم بازگشت و روی به برادرش کرده وفرمود: اگر ادعا می‌کنی پس از پدرت لیاقت امامت را داری برو و در میان آتش بشین[[66]](#footnote-66).

دومین افسانه برای اثبات امامت موسی کاظم و لیاقت بیشتر وی به امامت در میان برادرانش را کلینی نقل کرده و می‌گوید: فردی به نزد امام کاظم آمده و از امام وقت پرسید که چه کسی است؟ امام فرمود: اگر او را به تو معرفی کنم امامتش را می‌پذیری؟ آن شخص گفت بله به فدایت گردم امام فرمود: امام وقت منم شخص از وی دلیل و مدرک خواست امام فرمود به سوی آن درخت برو و سپس به ام غیلان امر فرمود تا به درخت بگوید امام کاظم می‌فرماید: به نزد من بیا. آن شخص می‌گوید: به خدا سوگند آن درخت را دیدم خود را بر زمین انداخته و چهره بر خاک می‌مالید و جلو می‌آمد تا در مقابل پاهای امام زانو زد و سپس امام اشاره فرمود و درخت به جای اولش برگشت[[67]](#footnote-67).

1. اثبات امامت امام رضا: روایت است که شخصی به نزد امام رضا آمد و گفت به خدا سوگند که سؤالی دارم اما شرم می‌کنم آن را مطرح کنم امام فرمود: قبل از اینکه تو بگویی من می‌دانم، می‌خواهی از امام وقت بپرسی؟ آن مرد گفت: بله به خدا سوگند امام فرمود: من امام این وقت و زمانم. آن شخص گفت نشانه و علامتت چیست؟ عصایی که در دست امام بود به زبان آمد و گفت: مولا و سرور من امام این زمان است و او حجت خدا است[[68]](#footnote-68).

جالب اینجاست این داستان سرایی و افسانه تراشی با اصول و قوانین امامت نزد خودشان معارض است چون یکی از اصولشان می‌گوید: امامت جز به نص قطعی و یا اشاره امام قبلی ثابت نمی‌شود.

45- حد عورت نزد شيعه

کرکی می‌فرماید: اگر مرد آلت تناسلی و بیضه‌های خود را پوشاند،‌ عورتش را پوشانده است[[69]](#footnote-69).

عورت پشتی (دُبُر) فقط اصل سوراخ مقعد است و هیچ کدام از دو باسن (نشیمن گاه) و همچنین رانها جزو عورت محسوب نمی‌شوند چون امام صادق و همچنین ابی‌عبدالله می‌فرماید: رانها جزو عورت نیستند و شیخ صدوق نقل می‌کند که امام باقر آلت تناسلیش را می‌پوشاند و سایر بدنش را نمایان می‌ساخت[[70]](#footnote-70).

و همچنین ابو الحسن می‌فرماید: عورت بر دو قسم است: جلو و عقب،‌عورت عقبی به وسیله دو باسن پوشیده شده پس اگر کسی آلت تناسلی و دو باسنش را بپوشاند، عورتش را پوشانده است چون فقط به وسیله آن دو وضو باطل شده و همچنین حادثه از آن دو به وجود می‌آید پس آن دو عضو عورت‌اند نه اعضای دیگر بدن مانند ساق[[71]](#footnote-71).

و همچنین در جامع المقاصد نیز آمده که عورت پشتی اصل سوراخ مقعد است و دو باسن و رانها جزو عورت نیستند[[72]](#footnote-72).

به همین دلیل است که امام باقر،‌ محل رویش مو در زیر شکمش نمایان بود و فقط تکه پارچه‌ایی بر آلت تناسلیش بسته بود و با متولی و مسؤل حمام سخن می‌گفت[[73]](#footnote-73).

50- امام علی و سایر ائمه، ‌سوار بر ابر پرواز می‌کردند.

هاشم بحرانی روایت می‌کند که امام علی بر ابر سوار می‌شد و هفت طبقه زمین را می‌گشت[[74]](#footnote-74).

و همچنین روایت است که وقتی سپاه یزید بن معاویه به دنبال امام زین العابدین بودند تا وی را بکشند در حالی او را یافتند که سوار بر ابر پرواز می‌کرد[[75]](#footnote-75).

شیخ مجلسی روایت می‌کند که علی سوار بر ابر می‌شد و پرواز می‌کرد[[76]](#footnote-76).

و همچنین طباطبایی می‌گوید: خداوند ابر را برای امام علی مسخر کرده بود،‌ بر آن سوار شده و مشرق و مغرب را می‌گشت[[77]](#footnote-77).

46- رعد و برق با اراده و خواست امام علی است

عبدالله پسر قاسم پسر سماعه پسر مهران می‌گوید: در محضر ابی عبدالله نشسته بودم آسمان رعد و برق می‌زد امام فرمود: این رعد و برق به اراده و خواست مولا و محبوب شما است ما نیز گفتیم کدام مولا و محبوب را می‌فرمایی؟ ایشان فرمودند: امیر المؤمنین علی[[78]](#footnote-78).

47- يادآوری نام ائمه به مرده هنگام دفن

وقتی مرده را داخل قبر گذاشتند قبل از گذاشتن و چیدن سنگ‌ها روی لحدش،‌ لازم است شهادتین را به وی یاد آور شده و بگویی ای فلان پسر فلان عهد و پیمانی را که در دنیا بسته بودی و با آن از دنیا رفتی بیاد آور که شهادت می‌دادی هیچ خدایی جز الله وجود ندارد تنها است و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده او است و علی و حسن و حسین - تا آخر دوازده امام – همه امام تو بودند و پیشوایان هدایت و نیکی بوده‌اند[[79]](#footnote-79).

والسلام علی من اتبع الحق والهدی

عبدالرحمن  
دمشقیة

1. - اصول كافی ج6 ص500. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مرجع سابق ج6 ص269. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مرجع سابق ص386-501. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مرجع سابق ص497. [↑](#footnote-ref-4)
5. - من لا يحضره الفقيه ج1 ص53. [↑](#footnote-ref-5)
6. - أنوار الولاية تالیف آیة الله زین العابدین گلپایگانی ص440. [↑](#footnote-ref-6)
7. - أصول كافی ج6 ص372. [↑](#footnote-ref-7)
8. - أصول كافی ج6 ص361. [↑](#footnote-ref-8)
9. - أصول كافی ج6 ص383. [↑](#footnote-ref-9)
10. - أصول كافی ج5 ص498. [↑](#footnote-ref-10)
11. - من لا يحضره الفقيه ج3 ص556. [↑](#footnote-ref-11)
12. - سداب گیاهی است كه بسیار خوشبو و دارای شكوفه‌های ریز كه در اروپا و آسیا كشت می‌شود، ‌این گیاه بعضی از فواید پزشكی را دارد اما استعمال آن خطرناک است اسم دیگر آن فیجن است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - كافی ج6 ص367. [↑](#footnote-ref-13)
14. - أصول كافی ج4 ص69؛‌ من لا يحضره الفقيه ج2 ص172؛‌ وسائل الشيعة ج7 ص269 و ج10 صفحات 319-329؛ مستدرك الوسائل ج7 ص438. [↑](#footnote-ref-14)
15. - مستدرک الوسائل ج2 ص148؛ بحار الأنوار ج78 ص202 و ج90 ص393؛ التوحید شیخ صدوق ص219؛ تفسیر نور الثقلین شیخ حویزی ج1 ص12؛ نور البراهین نعمت الله جزایری ج1 ص516؛‌ معاني الأخبار شیخ صدوق ص354. [↑](#footnote-ref-15)
16. - البرهان ج2 ص327. [↑](#footnote-ref-16)
17. - اصول كافی ج4 ص583. [↑](#footnote-ref-17)
18. - اصول كافی ج1 ص319 كتاب الحجة باب مواليد أئمة. [↑](#footnote-ref-18)
19. - حق اليقين تالیف مجلسی ص347. [↑](#footnote-ref-19)
20. - خنثی كیست كه هردو آلت مردانگی و زنانگی را دارا است (مترجم). [↑](#footnote-ref-20)
21. - اصول كافی ج7 ص158؛‌ وسائل الشيعة ج26 ص290؛ بحار الأنوار ج60 ص388. [↑](#footnote-ref-21)
22. - اصول كافی ج6 ص261. [↑](#footnote-ref-22)
23. - كتاب الخصال ج1 ص221. [↑](#footnote-ref-23)
24. - كتاب الخصال تالیف ابن بابویه قمی باب الثلاثة ج1 ص99. [↑](#footnote-ref-24)
25. - مرحب فرمانده یهودیان در جنگ خیبر بود كه بدست امام علی كشته شد. (مترجم). [↑](#footnote-ref-25)
26. - مناطق محل سكونت قوم لوط بدستور خداوند به وسیله ملائک به آسمان برده شده و زیر و رو شدند (مترجم). [↑](#footnote-ref-26)
27. - الأنوار النعمانية تالیف نعمت الله جزائری. [↑](#footnote-ref-27)
28. - اصول كافی ج2 ص481. [↑](#footnote-ref-28)
29. - اصول كافی ج2 ص392. [↑](#footnote-ref-29)
30. - اصول كافی ج1 ص184 كتاب الحجة. [↑](#footnote-ref-30)
31. - صراط مستقیم تالیف زین الدین چاپخانه حیدریه انتشارات مكتبة المرتضوية لأحياء آثار الجعفرية. [↑](#footnote-ref-31)
32. - اصول كافی ج1 صفحات 384-385 كتاب الحجة باب مولد الحسن. [↑](#footnote-ref-32)
33. - اصول كافی ج3 ص378. [↑](#footnote-ref-33)
34. - مفاتیح الجنان ص547. [↑](#footnote-ref-34)
35. - اصول كافی ج2 ص265. [↑](#footnote-ref-35)
36. - اصول كافی ج6 ص266. [↑](#footnote-ref-36)
37. - مؤلف محترم جناب شیخ عبدالرحمن دمشقیة تضاد و تناقض بین این خرافه قبلی را تقیه می‌داند اما به نظر بنده اولی استثنا از دومی است (مترجم). [↑](#footnote-ref-37)
38. - مفاتيح الجنان ص86. [↑](#footnote-ref-38)
39. - مفاتيح الجنان ص86. [↑](#footnote-ref-39)
40. - هدف از این نامگذاری این است كه بگویند (اَحد) اسم مشترک امام علی و حق تعالی است (مترجم). [↑](#footnote-ref-40)
41. - مفاتيح الجنان ص366. [↑](#footnote-ref-41)
42. - دعوات منتخبة من كتاب الكافی ملحق به مفاتيح الجنان ص802. [↑](#footnote-ref-42)
43. - اصول كافی ج6 ص366. [↑](#footnote-ref-43)
44. - مفتيح الجنان ص802. [↑](#footnote-ref-44)
45. - مفاتيح الجنان ص64. [↑](#footnote-ref-45)
46. - مفاتيح الجنان ص63-64. [↑](#footnote-ref-46)
47. - اصول كافی ج1 ص426 كتاب جهت باب مولد حسين بن علي. [↑](#footnote-ref-47)
48. - اصول كافی ج1 ص386 كتاب حجت باب مولد حسين بن علي. [↑](#footnote-ref-48)
49. - اصول كافی ج1 ص387 كتاب حجت باب مولد حسين بن علي. [↑](#footnote-ref-49)
50. - اصول كافی ج1 ص373 كتاب حجت من باب مولد النبي ج. [↑](#footnote-ref-50)
51. - اصول كافی ج1 ص354 كتاب حجت باب فيه نكت ونتف من التنزيل في الولاية. [↑](#footnote-ref-51)
52. - اصول كافی ج2 ص316 كتاب ایمان كفر باب توبه. [↑](#footnote-ref-52)
53. - اصول كافی ج2 ص457 كتاب فضل قرآن. [↑](#footnote-ref-53)
54. - اصول كافی ج2 ص487 باب الدعابة والضحك. [↑](#footnote-ref-54)
55. - اصول كافی ج2 ص363 كتاب دعا. [↑](#footnote-ref-55)
56. - اصول كافی ج1 ص383 كتاب حجت باب مولد الزهراء. [↑](#footnote-ref-56)
57. - تفسير الميزان ج19؛ ‌تفسیر قمی ج2 ص345؛ تفسير نور الثقلين ج5 ص197. [↑](#footnote-ref-57)
58. - اصول كافی ج1 ص381 كتاب حجت باب مولد الزهراء. [↑](#footnote-ref-58)
59. - اصول كافی ج1 ص382 كتاب حجت من باب مولد الزهرء. [↑](#footnote-ref-59)
60. - كتاب سلیم بن قیس ص221؛ بحار الأنوار ج38 صفحات 297-314 و ج40 ص1. [↑](#footnote-ref-60)
61. - اصول كافی ج7 ص182؛‌ تهذيب الأحكام ج10 ص40؛ ‌الاستبصار ج4 ص213؛‌ وسائل الشيعة ج20 ص348؛‌ مستدرك الوسائل ج14 ص339؛‌ بحار الأنوار ج73 ص130 و ج76 صفحات 57-93؛‌ من لا يحضره الفقيه ج4 ص23. [↑](#footnote-ref-61)
62. - بحار الأنوار ،‌ج76 ص94. [↑](#footnote-ref-62)
63. - البته صدور این فتوای عجیب و غریب،‌ جهت فرار از این مخمصه بوده و بس چون معقول نیست. آقای مجلسی اولین امام معصوم خود را زیر ضربات شلاق ببرد (مترجم). [↑](#footnote-ref-63)
64. - اصول كافی ج1 ص347 باب ما يفصل به بين دعوي الـمحق و الـمبطل في امر الامامة. [↑](#footnote-ref-64)
65. - اصول كافی ج1 ص348؛ اعلام الوری تالیف طبرسی صفحات 258-259. [↑](#footnote-ref-65)
66. - كشف الغمة تالیف اردبیلی ج3 ص73. [↑](#footnote-ref-66)
67. - اصول كافی ج1 ص253؛‌ اعلام الوری طبرسی ص302. [↑](#footnote-ref-67)
68. - اصول كافی ج1 ص353. [↑](#footnote-ref-68)
69. - اصول كافی ج6 ص501؛‌ تهذيب الأحكام ج1 ص374. [↑](#footnote-ref-69)
70. - جامع الـمقاصد تالیف محقق كركی ج2 ص94؛ المعتبر شیخ حلی ج1 ص122؛‌ منتهی الطلب ج1 ص39؛‌ تالیف شیخ حلی، تحرير الأحكام شیخ حلی ج1 ص202؛‌ مدارك الأحكام سید محمد عاملی ج3 ص191؛‌ الـمعاد تالیف محقق سبزواری؛‌ الحدائق الناضرة ج2 ص5. [↑](#footnote-ref-70)
71. - اصول كافی ج6 ص501؛ ‌تهذیب الأحكام ج1 ص374؛‌ وسائل الشيعة ج1 ص365؛‌ منتهی الطلب ج4 ص269؛ ‌الخلاف شیخ طوسی ج1 ص396؛ المعتبر شیخ حلی ج1 ص122. [↑](#footnote-ref-71)
72. - جامع المقاصد محقق كركی ج2 ص94. [↑](#footnote-ref-72)
73. - الفقیه ج1 ص117؛‌ وسائل الشيعة ج1 ص378؛‌ كتاب الطهارة تالیف خوئی ج3 ص356؛‌ كتاب الطهارة شیخ انصاری ج1 ص422. [↑](#footnote-ref-73)
74. - مدينة الـمعاجز ج1 ص542. [↑](#footnote-ref-74)
75. - مدينة الـمعاجز ج4 ص256. [↑](#footnote-ref-75)
76. - بحار الأنوار ج39 صفحات 138-148؛ ‌تفسیر فرات ص510. [↑](#footnote-ref-76)
77. - تفسير الـميزان ج13 ص372. [↑](#footnote-ref-77)
78. - الأختصاص شیخ مفید ص327؛‌ بحار الأنوار ج27 ص33. [↑](#footnote-ref-78)
79. - النهاية شیخ طوسی ص38؛ المبسوط شيخ طوسی ج1 ص186؛‌ مصباح الـمجتهد ص20. [↑](#footnote-ref-79)